

نگرشی برواژه ذات



نویسنده : دکتر بصیر کامجو

مارچ 2020 میلادی

کنون با عرض حرمت خرسندم ورسالت خود می دانم که باری در خدمت فرهیختگان ودوستان قرار دارم وبا استفاده از فرصت دست داشته بتوانم اندیشه و رویکرد های فکری خود را زیر نام " نگرشی بر واژه ذات " بیان نمایم .

گرچه در کلیت خویش ، شناخت عقلانی انسان در باره حقیقت واژه " ذات " که گوهر هر چیز است ، پیوسته همچو یک راز ، هنوز باقی می ماند.

مگر بگونه کُل تأمل ما درباره " ذات " (که مترادف به : وجود ، بُود ، هستی ، حقیقت ، گوهر ، نفس هرشی ، چیستی ... است) در واقع نگرشی بر هستی شناسی بنیادین شیء در روند متغیر تجلیات ، از مکان استقرار " بودن شیء " تا فراسوی " شدن شیء " در جنبیدن همیشگی به مسیر بینهایت ها ست .

بدین باور ! سرشت راستین ذات شیء در آنچه قایم به خود ذات است بیان می شود نه در آنچه دست خوش تغییر است .

چون تفکر و آموزش ما در باب حرمت شناختی ذات انسان وتقویه سجایای اخلاق تطبیقی ، بیداری دگردوستی جریان داشته ، ونه در آموزش فلسفی و عرفانی ذات در کل .

ازینرواندیشه و رویکردهای فکری ، تدبیر ونیت ما ، تنها مایل بر روشنگری و باز شناسی ویژه از حقوق وموقعیت اجتماعی " ذات انسان " و گوهر کرامت مدار وی ، بوده است .

در دائره موجودات هستی ، ذات انسان یک " وجود اصیل " وداری گوهر شریف " کرامت " است . در تاریخ آموزش بشری نگرش واندیشه انسانها درمورد تعریف انسان وشناخت ذات گوهری وی پیوسته متفاوت بوده است .

اما در اندیشه ما ارزشهای برجسته ای که موجب تغییر در تعریف ذات انسان می شود ، و آن نه تنها در بردارنده قدرت تفکر وفهم وانتخاب و آفرینندگی ذات او، نهفته است ، بلکه خود انسان با اراده آزاد و رفتار و کردار غایتمدانه خویش منبع وخاستگاه اهداف اخلاقی ومولد پیمانانه هاست . که این " پیمانانه " ها " نمودی " از قدرت خودآگاهی انسان ونمایش کنه " کرامت " ذات اوست .

همسو با این اندیشه ، اگر گوهر " کرامت " را به عنوان گوهر تعیین کننده " ذات خود آگاه " انسان قبول کنیم . تکلیف مان در روند هستی شناسی بنیادین ذات انسان ، وقتی به یقین می پیوندد که ما در مسیر شناخت و معرفت آزاد مندانه ای خویش ، بجای نفی حقیقت گوهری ذات ، در جایگاه دفاع و بیان ماهیت و ارزش آن بی ایستیم .

در آن مرتبه هست که انسان با بینش شگفت انگیز ، " بودن " خویش را بمثابة واقعیت عینی در طبیعت و جامعه - هوشمندانه معرفی می کند. و برای اثبات روند حقیقت " شدن " خود بسوی آینده ای دور ، که وی در آن دیگر وجود ندارد ، سهم رسالت مند اداء می نماید .

حقیقت سیرشت بود " ذات " در وجود ، عرضی و اتفاقی نیست ، تغییر ناپذیر ، ابدی و جاویدانه است. بود " ذات " انسان با " کرامت " وی که در مراتب امتزاج ذاتش متجلی یافته ، مناسبت های در خور تداخل داشته و جزء کنه ذات است.

و حقوق ذاتی انسان یک مقام ارتقایی ذات است که اساس کرامت انسان را تبیین می کند . به این اساس انسان موجودی است که به هیچ وجه نمی تواند جدا و گسسته از گوهر وجودی " کرامت " خویش باشد.

کرامت رامیتوان اقامت گاه بودن ذات نامید ، یعنی افقی است که در آن مرتبت نهایت های گرم ، قدر و منزلت و شرف و آبروی انسان آشکار می شوند.

گوهر " کرامت " که خود یک منش وجودی " ذات انسان " است در همه موارد تعینات و تجلیات حقوقی ، اجتماعی و اخلاقی انسان گره خورده است ، آن مقام قابل قبول نمودی از ندای وجدان و امتیاز بشریت است. که به آن گوهر بایست ارج و حرمت گذاشت .

اندیشه و آموزش ما در ارائه رویکرد های فکری گوهر شناختی انسان در فرآیند دودهه اخیر که در آثار چاپی ، نوشته ها و مقالات ما بنشر رسیده ، هدف آن برجسته سازی ارزش شناخت ذات کرامت مدار انسان و مقام شامخ وی در جهان و از جمله کشورهای فارسی زبان خود ماست.

بالاحترام